

دینامیزم نوین اپوزیسیون :

پاسخ استراتژیک به جنایت اخیر رژیم

korosherfani@yahoo.com

کوروش عرفانی

آشفتگی حاکم بر عراق طمع جمهوری اسلامی را برانگیخته است. حمله مزدوران رژیم به پایگاههای مجاهدین نشان دهنده فرصت طلبی شدید ملاحاست. اما آیا اپوزیسیون نیز می تواند به اندازه رژیم عاقل باشد و از موقعیت جدید کنونی به نفع خود بهره برداری کند ؟

امروز اپوزیسیون ایرانی در مقابل چند امر بدیهی قرار گرفته است :

- الف) ضرورت تغییر رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش جدی شده است.
- ب) آمریکا بعنوان قادر منطقه می خواهد این تغییر را به نفع خویش تمام کند.
- ج) جمهوری اسلامی می خواهد با سازش و تسلیم و مصالحه بقای خود را تامین کند.
- پ) سرنگونی از طریق یک جنبش عمومی داخلی فعلاً ناممکن است.
- ت) سرنگونی از طریق ترکیب قیام اعتراضی داخلی و حضور ارتش آزادیبخش ممکن است.
- ث) موقعیت ارتش آزادیبخش در عراق به خطر افتاده است.

اگر این بدیهیات را کنار هم بگذاریم به یک نتیجه گیری ساده می رسیم :
برای ممانعت از بقای رژیم، برای جلوگیری از سوار شدن آلترناتیو آمریکایی در ایران و برای تحقق سرنگونی باید در شرایط فعلی آنچه را که سد و مانع عمل کردن ارتش آزادیبخش است را از سر راه برداریم.

با تعویض رژیم در عراق و تغییر شرایط در این کشور، ارتش آزادیبخش و نیروهای مجاهدین به احتمال خیلی زیاد نخواهند توانست مانند سالهای سابق در خاک عراق حضور داشته باشند. از سویی نیز هر گونه ضربه وارد شدن به این ارتش و یا فلج شدن توان نظامی آن دو نتیجه مشخص به دنبال خواهد داشت :

در صورتی که رژیم با آمریکا به توافق برسد امکان سرنگون ساختن آن بدون حضور یک نیروی نظامی قدرتمند، مانند ارتش آزادیبخش، تقریباً ناممکن و یا تنها در دراز مدت میسر خواهد شد.
در صورت عدم توافق آمریکا و رژیم، این جایگزین مدافع منافع ایالات متحده و شرکایش است که قدرت را در ایران بدست خواهد گرفت.

هیچ یک از این دو حالت مطلوب مبارزین مردم دوست و میهن دوست نیست.
به همین دلیل نیز به دور از ذهنی بافیها و امیدهای کاذب باید قبول کنیم که جبهه نیروهای اصیل و مردمی اپوزیسیون در موقعیتی بسیار حساس قرار گرفته است. موقعیتی که تنها به سرنوشت مجاهدین در عراق محدود نمی شود، بلکه تعیین کننده دو یا چند دهه آینده ایران است. درک این شرایط خاص و سرنوشت ساز تنها به قدری واقع گرایی نیاز دارد.

سوالی که مطرح می‌شود اینست که برای جلوگیری از تحقق این سناریو سیاه چه راههایی موجود است؟

چه می‌توان کرد ؟

یک راه حل که بطور خود جوش در مقابل ما قرار گرفته است استفاده بهینه و هوشمندانه کردن از جریانی است که این روزها برای حمایت از مجاهدین براه افتاده است. می‌دانیم که در روزها و هفته‌های آینده بسیاری از شهرهای اروپایی و نیز در آمریکا شاهد جنب و جوش جدیدی از جانب ایرانیان خواهد بود. دهها تظاهرات، تجمع، گردهم‌آیی و آکسیونهای دیگر پیش‌بینی شده است. در مجموع چندین هزار ایرانی خارج از کشور، بعنوان هوادار مجاهدین، یا فعال اپوزیسیون، یا ایرانی متعهد و مسئول، در این تجمعات شرکت خواهند کرد. حال سوال این است ؟

آیا این بار نیز همانند صدها تجمع دیگر در خارج از کشور به دادن چند شعار و گوش دادن به چند سخنرانی و صدور یک قطعنامه اکتفاء خواهیم کرد ؟ در این صورت چه چیزی بطور کیفی قبل یا بعد از این تظاهرات عوض خواهد شد ؟ آیا خطر بطور همیشگی از مجاهدین در عراق دور خواهد شد ؟ و حتی اگر اینچنین‌شود، آیا باز چه مدت ارتش آزادیبخش باید در انتظار فرصت مناسب بنشیند ؟ چرا این بار که از نتیجه این تظاهرات و آکسیونها باخبریم نیاییم و از این فرصت جدید بهره‌برداری کیفی نکنیم ؟ چرا از طریق این آکسیونها و تجمعات ایجاد شده یک دینامیزم جدید در دل اپوزیسیون خارج از کشور ایجاد نکنیم ؟ چرا این تجمعات را به آغاز یک نقطه عطف تبدیل نکنیم ؟

اگر از همین‌حالا روی این موضوع اندیشیده و به ارائه و بررسی پیشنهادات و ابتکارات پردازیم آیا نمی‌توانیم آغازگر یک حرکت کیفی جدید باشیم ؟ آنچه باید روی آن فکر شود مکانیزم‌هایی است که اجازه می‌دهد ایرانیان مشتاق و داوطلب در خارج از کشور خود را سازماندهی کنند تا این سری جدید حرکت‌های اعتراضی در حمایت از مجاهدین، نقطه آغاز یک جنبش اعتراض‌گری مداوم و پیوسته باشد. یعنی آماده سازی یک ساختار خودجوش و در عین حال سازمان دهی شده برای آنکه از این پس روز و هفته‌ای نباشد که ایرانیان مخالف رژیم یک حرکت اعتراضی هر چند کوچک در شهرهای مختلف آمریکا و اروپا نداشته باشند. با یک جنبش اعتراضی اینگونه ما ایرانیان فعال اپوزیسیون قادر خواهیم بود تا انفعال حاکم بر اپوزیسیون خارج از کشور را شکسته و این دینامیزم را بتدریج همه جا گیر کنیم.

خصلت‌های این جنبش فعال سازی باید چنین باشد :

(۱) فرا سازمانی باشد. یعنی ایرانیان متعلق به تشکلهای و علایق سیاسی گوناگون بتوانند در آن فعال باشند. تنها نقطه مشترک سرنگونی رژیم باشد.

(۲) پیوستگی : این جنبش باید بصورت بدون انقطاع عمل کند، یعنی تابع فصل تعطیلات تابستانی و امثالهم قرار نگیرد و آکسیونهای خود را به گونه ای مداوم دنبال کند.

(۳) خصلت شرکت خودجوش ایرانیان در آن حفظ شود، یعنی با اتکاء به پیشنهادات، ابتکارها و خواست فعالان آن باشد و هیچ چیز حالت تحمیلی و تحکمی نداشته باشد.

بنظر من با رعایت این سه خصلت اجرای این ابتکار نیاز به هیچ سازماندهی تشکیلاتی خارق العاده‌ای ندارد. هر فرد ایرانی که مایل به انجام این ایده باشد می‌تواند افراد دیگر را در شهر خود پیدا کرده و برای براه انداختن آکسیونهای این گونه فعال شوند.

جنبش حرکتی باید برآستی جنبش ایرانیان سرنگونی‌طلب باشد، نه کمتر نه بیشتر.

البته باید آرزو کرد که سازمانهای سیاسی و از جمله سازمان مجاهدین از این ابتکار حمایت کرده و تجربه خود را در اختیار ایرانیانی بگذارند که می‌خواهند کاری کنند تا از این پس جو اپوزیسیون خارج از کشور در راستای سرنگونی فعال شود. اما این ابتکار، بیش از هر چیز، به اراده تک تک ما ایرانیان بستگی دارد که با یا بدون وابستگی سازمانی می‌توانیم آنرا پی گیرانه دنبال کنیم.

هدف دینامیزم جدید :

هدف از این جنبش آنست که ایده سرنگونی تمامیت نظام را به عنوان اصل پایه‌ای مبارزه همه جا گیر کرده و در نهایت، با ایجاد یک دینامیزم عظیم میان ایرانیان خارج از کشور، به دنبال آن باشیم که این پویایی را به داخل مملکت برده و در آنجا نیز جامعه را به سمت یک قیام سرنگونی طلب تشویق کنیم. در نهایت از فعال شدن و بهم پیوستن این دو اینرسی عظیم داخل و خارج از کشور، شرایط برای یک حرکت برانداز فراهم می‌شود. این شرایط زمینه دخالت و حضور ارتش آزادیبخش در ایران را فراهم خواهد کرد. این به نوعی همان طرح جبهه همبستگی است اما به شکل مردمی و خودجوش آن. از همه هموطنانی که باور دارند در نهایت این خود ما هستیم که باید عنان سرنوشتمان را بدست گیریم می‌خواهم از آغاز اولین سری تظاهرات آینده در حمایت از مجاهدین، با همیاری سایرین چنین پیشنهاداتی را مطرح و برای تحقق آنها تلاش کنند. مبارزه سیاسی در نهایت چیزی نیست جز چند ایده و اراده عملی ساختن آنها.

خلاصه کلام اینکه

برای رفع خطر دور شدن چشم انداز سرنگونی، باید موج جدیدی از اعتراضات و ابتکارهای سیاسی و تبلیغاتی را براه بیاندازیم و فشار بر رژیم را آنقدر بالا ببریم تا ساختارهای تدافعی آن فرو ریخته و مردم در داخل کشور به قیام سرنگون ساز روی آورند. در چنین شرایطی ارتش آزادیبخش می‌تواند با حمایت جنبش مردمی وارد کشور شود، از سرکوب قیام جلوگیری کرده و کار رژیم را یکسره کند.

سرنگونی رژیم از آسمان متحقق نخواهد شد، این سرنگونی بدست ماست و برماست که راه اجرایش را پیدا کنیم. سیمرغی که جستجو می‌کنیم کسی نیست جز خود ما.